

انقلابی بزرگ

جرج سحمان جرداق ، ادیب مشهور مسیحی کتابی در ۵ جلد ۱۳۰۰ صفحه درباره امام علی علیه السلام نوشته و منتشر ساخته که مورد توجه محافل مختلف جهانی قرار گرفته است ..

سطور کوتاه زیر بهتاسیس «شماره مخصوص» از جلد دوم آن کتاب ترجمه و تلخیص شده که برای آگاهی خوانندگان از چگونگی اندیشه یکتا مسیحی در باره نهضت اسلام و امام علی ، بدرج آن اقدام میشود .

سیدهدای خسروشاهی

... نبردین آزادی و استبداد در طول تاریخ همیشه برقرار بوده و در میان حریت و هر گوشه ای از روی زمین وجود داشته است . همانتهای جهان برای بزرگداشت مقام انسانو تحکیم وثبیت تاریخ تمدن و پیشرفت آن انقلابی برپا داشته اند .

برای ما عرب ، ما هندو یگران ، صنعتا درختان و پر از جن در تاریخ این انقلابیای سودمند وجود دارد . ظهور اسلام بزرگترین این نهضتها و انقلابها است که بر سود آمدن مراحل ای تاریخ را پایان بخشید و دوران جمیدی را آغاز نماید ، و چنانکه اسلام انقلابی بر مبداء اجتماع حامد جاهلیت بود ، وجود علی بن ابیطالب نیز انقلابی بر شد گروهی بود که خواستند از آن هدایای باک و نیکی و جتنای که اسلام بخاطر آن میخواستند بود ، منحرف گردند و در واقع ، علی ، پس از محمد بن عبدالله ، نماینده وسیل این انقلاب ، نمین کنند اصول و قوانین آن ، روش سازند هدایای آن و گوشه در راه بسط و عمومی ساختن منافع آن بود .

ما با توجه همه انقلابیانی که در سراسر روی زمین رخ داده ، مقام و موقعیت علی بن ابیطالب را در این میان دوگنی کنیم و او چنانکه بزودی برای ما روشن خواهیم شد ، یکی از بی نظیر ترین انقلابی های تاریخ است که با گفتمار و کردار خود در این برامی کوشید ...

اگر ما بتاریخ عرب بنگریم ، خواهیم دید ، انقلابی که محمد بن عبدالله برپا نمود و جانتینای وی «تعالی» را گرفتند ، چیزی نگفتند که از طرف طبیعتا که برای کارهای فردی و مصالح و منافع خصوصی بکار کشیدند ، و ناگهان اینی امیه را بنیام که شش هزار سال گذشته و مردم را در دو میکند و بنارت و جفا و کفر می برداند .

این معاویه است که زمین و ثروت مردم مصر را بعنوان مال خلیل ، بفرماندار خود

دومر - عمرو بن عامر که او را بر سد علی پاری کرده بود می کشند و می نویسند : معاویه بمصر و مردم آنرا بمصر و بن عامر بختید تا عمر خود که بخواند در آن مصر فتناید ؛ ... و این یزید این معاویه است که امام حسین بن علی را بقتل رساند و سپس باقی ماندگان کاروان حسینی را که زنان و کودکان بی سرپرستی بودند ، اسیر کرده و به شمشیر می آورد و بعدا همانند روش «بخت انصر» سربازان خود اجازه می دهد که «مدینه منوره» را قتل عام نموده و غارت کنند .

و این «زید بن ابیه» و «مسلم بن عقبه» و «حجاج بن یوسف» و «همان فردیگراز عمال و اهادی بنی امیه هستند که با مردم چنان رفتار و شیانه ای می کنند که حیوانات وحشی و مگر گهای درنده با چهار پا پا آن آطور رفتار می کنند .

و اینهم بنی عباس هستند که در راه و روش بنی امیه گام بر می دارند و سر می نمایند و آنگاه امام بنیام که کشتار گامها و پرده درها و تا اوزها و تشییع حقوق و غارت اموال مردم بخاطر بر - کردن گنجه های خلفا وصال و اطرافیان ، بشکل غیر قابل توفیقی بالایی گرد .

ولی با توجه داشت که سراسر تاریخ عرب ، تنها ظلمت و ظلم ، تاریکی و ستم نیست ؛ در قله زید بن ابیه که با سوسن و احتمال مردم را بقتل می رسانید و کفر میداد ، «حجر بن عدی» جامع بود و بر اقامت احترام ارزش انسان و بر ازار جار و نفر تا از ظلم و ستم و بخاطر تعادل بدالت و بر بزرگداشت خود و پیمان ، خون خود را فدای مساز و همچنین «عمرو بن حمق» پیامبیزه که در صحیح داد سر بریده او را در سراسر مملکت بگرداند تا او به شمشیر فرود نیاید و برای تشییع گری اظهار زین می نماید .

و در برابر «عبدالله بن زیاد» «الحسین بن علی» قیامی کند که تاریخ او مشهور است ، و «عیشم قتل» بپوشش دمی آید که در این زیاد ، او را بدار آورده و کولی او را آنچه که حق تشییع داد بود و از آن اطمینانی که نسبت بدالت یافته بود و دیگران نشد ... و «رشید هجری» نیز مرتکب میکند که در این زیاد دستها و پاها ی وی را قطع کرده و سپس زبان او را هر برید و او ، و در آن خود را در بازار شکنجه و سرگه را فروخته و از دست اندا ،

و در مقابل «عروان بن حکیم» «ابوذر غفاری» قیام می کند و در برابر روی سیاه و حجاج بن یوسف چهار دور در درگ : «کمال بن زیدان» و «سید بن جبیر» می خندد . و در آن روز گاری که در بغداد و بصره ، بازار برده فروش رونق داشت ، انقلاب سیاهان برده ، بر عریضی مردمی بزرگ بنام «علی بن محمد» - از اولاد امام حسن - بوقوع پیوست ...

و در میان ظلمت و تاریکی امپداده تر کهای عثمانی ، ستاره های بنامهای : جمال الدین

سنگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم اسلامی

افغانی ، محمدعلیه ، عبدالرحمن کواکبی ، امین رحمانی در خین گرفتند و در میان ناله گریه و زاری شدگان و فریاد و سرخسگریهای عظامی ، با یکدیگر مامورین پادشاهی امان و شیخ ابراهیم یازجی ، بگوش میبودند که میگفتند : مردم ! از خواب گرانبار چشم بگشایید و بیدار شوید که بدیختیها و ناگواریهایی فراوان شده و انسان نازانو در آن فرورودند . آری ! در خلال همین قرون و اعصار ، انقلاباتی در اینها و آنجا برپا شد که آتش آن را نودست نمیدیده‌ای روشن کردند که با دهر آنگین نمودن ، بر آنان وزید و طوفانهای نابود کننده طغیان ، آنها را بنا برودی کشانیده بود .

تألیفات شما ، شاید که مگر از شعرهای عربی که تلفظ بود در خلال دوران حکومت عثمانی و انگلیسی ، بیشتر از دست بار انقلابیها گردید که هدف تمامی آنها ازین بریدن و نابود ساختن آثار و مشایخ استبداد بود .

و در رأس این کاروان انقلابیون ، در تاریخ قدیمها ؛ انقلابی بزرگ و عالی ابن ابیطالب قرار دارد که با زندگی و مرگ خود ، و با آنچه که بر دم آموخت و از خود بجای نهاد ، همه‌ی سحر بلند ویرا اقتضار خواهد ماند .

همان‌علی بن ابیطالبی که با شمشیر خود در برابر لشکر تجاوزکاران استبداد و اقبال و زبان خود در مقابل لشکریان افکار و علمای متزاورین ، با خود زید با آن همیشه بی‌شکر و نظر خط ناپذیر و سرسختی خود در مقابل طوفانهای ناگوارهای دنیا و دین و ممالک و آدمیهای بزرگان و سرشناسان ، ایستادگی نمود .

بقیه از صفحه ۴

دیگر اینکه تا این وسیله و در تبلیغ این استبداد و ممالک استبداد برای تحصیل درآمد بیشتر و تأسی است محال است این وسیله اصلاح گردد و مسلمانان این هیئت و زورشان با این هیئت استنادی نخواهند دید ، و آنها با اتحادیه‌های نیرومند و برادرشان و زود و بدعای آنان ، بالاخره کار خود را انجام خواهند داد .

بشیرین نمونه از فکر منطوق آلوده‌ای که کنگرگان و دارد کنگرگان و صاحبان اینهاها همانست که اخیراً در پاسخ بنگران و اصلاح طلبان و علمای الهامی و اظهار داشتند و در جزئیات گفتند :
 آنها سرچشمه گفتند : «سینما هتر است ! کلاس ندی نیست ! هر قلمی حتی یا وجود غیر اخلاقی بودن باز قابل نمایش است ! ...» (۱)

به‌بدنما تنها راه حل این مشکل ، و منظور کلی مشکلات مربوط به مسائل تبلیغی امروز ، اینست که مسائل مزبور ، کلی از جنگال این افراد و بدترین نوع بودن آورده شود .
 ملاحظه تلقای و تجارتی آن بکلی را بدین برود ، و تحت نظارت تشکیلات صحیح درآمد و اصلاح دینی ، شود و باشرط انطباق و مناسب در راه تعلیم و تربیت مردم بخصوص نسل جوان بکار آید .

(۱) ترجمه تألیف از دوفصل کتاب «علی والشوره التریقیة» (علی و انقلاب رانه) .

(۲) کیهان ۱۹۹۶/۲۴